

CONFIDENTIAL

PF7882

L.A.T.

بسم الله الرحمن الرحيم

نور محمد باقر علی

که گمان و دوش همی خورم

خاتون و رازق و روف و رحم

بمهر و یافت صورت هستی

بر خصلت محمود فوسده

که در این خط با قافیم

طاعت او بجان نسیم

لیست سودی تجرین

پیروامت رسول ویم

مام حق بر زبان ہی رانیم

ملک وصالی و قریب و گیم
بادشاہ ۱۲۵۵

مرحمت از بیداری و بستی

طاعت است فرض

داد مارا کیل با خوانم

مرجه اولست ان بسهم

الحمد لله اولست عمر ان لرو

روز و شب طالبِ قبولِ ایم

نفت سید المرسلین صلی اللہ علیہ وسلم

۱۰
 ۱۱
 ۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

شکر حق را که بشنوا دایم
بهتر و بهتر و گزین ^{مهم}
او شریعت بیان کند ما را
احکام ^{دین} ۱۳
سلوات خدای بروی باد
تو او و ذو ^{السموات} ۱۴
چون ابو بکر و هم عمر عثمان
رحمت حق رخسار پادشاهش

پیوسته ای جو مصطفی و ابریم
 سرور و خاتم تکین
 او طریقت عیان کند باز
 راه باطن ^{۱۲} تا به روز جزا ^{در این راه} پی یابد
 دو ستار چهار یار یاریم
 مرتضی و ان علیهم الرضوان
 باد و بر جسمه و دستدار

آغاز کتاب مستطاب و اعظم از حاج میرزا محمد باقر

اسی مصلحت سے بیاض طہارت کن
 چون بیاضی طہارت طہار
 آن طہارت کہ قسم جسم
 تن بغسل و وضو چو پاک کنی
 شرح این بہرہ نفع را گویم
 در طہارت فریضہ و سنت
 پس بیان نماز و روزہ کنم
 ابدست و نماز باید کرد
 روز محشر کہ جانکد از نور

خانہ کوین خود عمارت کن
 باطنت نیز حق کند طایر
 طایر است راہستہ قسم
 آب گرفت تصدیک خاک کنی
 ز آنکہ جوگان شرع را گویم
 بر تو خواهم روان و بی منت
 توشہ عمر پنج روزہ کنم
 دل مقام نیاز باید کرد
 اولین سیرت انما بود

۱۰۰

ایک بیان در ضمن مذکور ہے

1000

مجلس

100

1945

| | |
|---|--|
| <p>میل در شرع ثلث و ننگ است ثلث و ننگ است چهار هزار</p> | <p>کر ترا داشت و ننگ است از قد مهای استر رهوار</p> |
| <p>باب ششم در بیان نماز مشتمل بر چهار فصل فصل اول در بیان فریضه هائی نماز</p> | |
| <p>هر که او طالب لطیفه بود او در اسلام صوفی و صاحب</p> | <p>مقتدایش ابوحنیفه بود در شریعت و فقهی و فقهی</p> |
| <p>بشنو از من بیان مذکور فصل کن این دو شش و نفع</p> | <p>ز آنکه صافی ترست شریعت او شش در وین نماز و شش بیرون</p> |
| <p>تا نماز تو با تو اگر دو آنچه بیرون کنون ترا فرض</p> | <p>فرض و نظمت همه روا اگر دو عرض دارم که متوضع عرض است</p> |
| <p>نیت است و طهارت و تکبیر غیر اسلام بایدت خوردن</p> | <p>شش و نفع و نفع و نفع شش و نفع و نفع و نفع</p> |
| <p>شش و نفع و نفع و نفع آن قیام و قرات است و نفع</p> | <p>فرض گیر نماز کن بنماز قدّه آخرین و سجده هفتم</p> |
| <p>پس بیرون آمدن فریضه شش از نمازی بدر عطل و قیاس</p> | <p>از نمازی بدر عطل و قیاس از نمازی بدر عطل و قیاس</p> |
| <p>فصل دوم در وجبات نماز</p> | |
| <p>باب بیعت نماز با بیعت</p> | <p>ز آنکه از مصطفی خدین رفت</p> |

| | |
|--|---|
| بیر برپای چاشت کنی باز گردان تو روئی وقت سلام گر کنی بر تو شبیهت اندازد ای دولت پر ز نور و حکمت بعد از آن هر چه هست آدابست | بیر گشت سوی قبله کنی ببین و یار خویش تمام مستحب راز سنت انکار مستحب دوریت از سنت یاد گیرش کن نه کسب |
|--|---|

ببین و یار خویش تمام
مستحب راز سنت انکار
مستحب دوریت از سنت
یاد گیرش کن نه کسب

باب هفتم در نمازهای فرائض شباروزی

| | |
|--|--|
| آنچه فرض است در شباروزی دو بصر و چهار پیش است سه بشام و چهار در خفتن و تر از واجبات میدانند | بفقد رکعت بود اگر آسوزی چار در وقت عصر تعیین است زین نکوتر نمی توان گفتن بر همه واجب است گزاردن |
|--|--|

آنچه فرض است در شباروزی
دو بصر و چهار پیش است
سه بشام و چهار در خفتن
و تر از واجبات میدانند

باب هشتم در بیان سنتهای مومک شباروزی

| | |
|---|--|
| علمای گفته اند بی شنبهت شش پیشین گزار و دو سحر سنت خالص صلوٰه این است غیر ازین هر چه هست نافله است | بست سنت دو اذان است دو پیش از شام و دو بخفتن در آنچه نیست از مومکات این است خواجها ما میر قافله است |
|---|--|

علمای گفته اند بی شنبهت
شش پیشین گزار و دو سحر
سنت خالص صلوٰه این است
غیر ازین هر چه هست نافله است

باب نهم در بیان روزه ماه رمضان

| |
|---|
| بیت در حکم شرع گردانی روزه جز غیر نفس نیست |
|---|

بیت در حکم شرع گردانی
روزه جز غیر نفس نیست

از جماع و شراب و ورشدن
فرض دان جمله روزه را وقت
نیت روزه گرا و اتمود
یک مرقه و نوافل را
چنین که خلل طلب نکنی
گس پشه در گلو چو پریه
گر کسی روزه و حجامت کرد
نکست و سرکه گزدان چشمید
روزه باقی بود و لی کرده
و رکنی مسح روغن و سرکه
نان که از بصره فصل منجانبه
که ضرورت بود و او باشد
بهراموشی ارکشی و خورشی
روزه تست بچمان بانی
در بقصد است خوردن و گاه
که خوری آن پسر و غذا نبود
بگویند که و کلوی و آسرن و رو

وز همه خوردنی نفوس شدن
تا بیانی ز روزه امنیت
در قضا جز شب روا نبود
تا پیش از زوال صبح روا
نیت روزه جز شب نکنی
نیت نقصان روزه توید
می شاید و ملاحت کرد
روزه باقی است گرفتار
از گناهت سبب بی اندوه
بر سر و چشم نیستت جرمه
علما اندرین چه فرمایند
بی ضرورت حین خطا باشد
بست هر دو تراستی و میری
گرفتاری و گرفتاری
لازم آید قضا و کفایت
بر تو لازم کسر قضا نبود
نبودن پیش از زوال صبح

از جماع و شراب و در شدن
 فرض دان جمله روزه را نیست
 نیت روزه گرا دایم بود
 یک مرتبه وقتی و نوافل را
 همچنین اگر خلط طلب کنی
 نیت پیش از زوال است روا
 نیت روزه جز شب نکنی
 نیست نقصان روزه تو دید
 می شاید و را ملاحت کرد
 روزه باقی است اگر نوشید
 از اگر است میباش بی اندوه
 بر سر و چشم نیست خبر می
 علما اندرین چه فرمایند
 بی ضرورت چنین خطا باشد
 است سرد و تر است و می
 اگر توبه سیری و اگر توبه
 لازم آید قضا و کفایت
 بر تو لازم چه قضا نمود
 بود و زین قبل غسل است

از جماع و شراب و در شدن
 فرض دان جمله روزه را نیست
 نیت روزه گرا دایم بود
 یک مرتبه وقتی و نوافل را
 همچنین اگر خلط طلب کنی
 نیت پیش از زوال است روا
 نیت روزه جز شب نکنی
 نیست نقصان روزه تو دید
 می شاید و را ملاحت کرد
 روزه باقی است اگر نوشید
 از اگر است میباش بی اندوه
 بر سر و چشم نیست خبر می
 علما اندرین چه فرمایند
 بی ضرورت چنین خطا باشد
 است سرد و تر است و می
 اگر توبه سیری و اگر توبه
 لازم آید قضا و کفایت
 بر تو لازم چه قضا نمود
 بود و زین قبل غسل است

| | |
|------------------------|----------------------------|
| در تعلق گرفتن کسی | پس رجوع از بلخی خرج کنی |
| تا توانی پوشش باید کرد | ز دقت همان قضایان باید کرد |

| | |
|---------------------------------|---------------------|
| باب دوم در بیان کفایت روز قیامت | |
| بر کسی که روز قیامت | بسیار و مجامعت کردن |
| نمی تواند | یا کسی که روز قیامت |
| یا دوم روز و یا بیانی | یا کسی که روز قیامت |

| | |
|---------------------|----------------------------|
| خاتمه | |
| از برای توبه | با دیگرش که خفته اند |
| بزرگ این را | و جب و فرض و تمام حق و اند |
| نود و سه باب و سه | از وفات رسول با سال |
| نیم از جاری الا قول | و دو کاین نظم که می باشد |
| تحت حق نشاء | باز گویند که او رسا اند |

در بیان روز و نماز بهیچ خادم المسلمین بعد الدین و مطیع
محمد مصطفی خان ولد محمد روشن خان سلمه الرحمن در ششم
هجری قمری نوبی بار دوم حله انطباع پوشید و الله اعلم
۸۸۲

در تعلق گرفتن کسی
تا توانی پوشش باید کرد
پس رجوع از بلخی خرج کنی
ز دقت همان قضایان باید کرد
باب دوم در بیان کفایت روز قیامت
بر کسی که روز قیامت
بسیار و مجامعت کردن
یا کسی که روز قیامت
یا دوم روز و یا بیانی
یا کسی که روز قیامت
خاتمه
از برای توبه
با دیگرش که خفته اند
بزرگ این را
نود و سه باب و سه
نیم از جاری الا قول
تحت حق نشاء
در بیان روز و نماز بهیچ خادم المسلمین بعد الدین و مطیع
محمد مصطفی خان ولد محمد روشن خان سلمه الرحمن در ششم
هجری قمری نوبی بار دوم حله انطباع پوشید و الله اعلم
۸۸۲

CALL NO.

AUTHOR

TITLE

ACC. NO.

THE BOOK M



MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES :-

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of **Re. 1-00** per volume per day shall be charged for text-book and **10 Paise** per volume per day for general books kept over-due.